



در میان اهل قلم، کمتر نویسنده‌ای پیدا می‌شود که همچون سید سلمان هادی آل طعمه، درباره یک موضوع خاص و مسائل پیرامونی آن، بیش از ۱۰۰ کتاب بنگارد، او که در آستانه ورود به هفتاد سالگی است، به لطف و مدد امام حسین (ع) و آستان ملکوتی حضرت، بیش از ۵۰ اثر از تالیفات خود را منتشر کرده است؛ غالب آثارش با پسوند یا پیشوند «کربلا» آراسته است و این تخصص و چیره‌گی سبب شده است که تالیفات استاد، مرجع سایر نویسندگان و محققان گردد. او با عالمان و اندیشمندان حوزه‌های علمیه ارتباط قوی و صمیمی داشته و در پرتو این انس علمی، بیش از ۵۰ اجازه روایتی را از آنان اخذ نموده است؛ در این میان اجازه دریافتی از آقا بزرگ تهرانی نیز به چشم می‌خورد. این مصاحبه در بهمن سال قبل و در پرتو سعه صدر و استقبال گرم ایشان در سرای علمی اش در حی المعلمین شهر مقدس کربلا انجام شد.

تاکنون ۵۴ کتاب از من چاپ شده و در کل، من یکصد کتاب نوشته‌ام؛ به همین سبب به من دکترای افتخاری از «دانشگاه حضاره الاسلامیه» لبنان داده شد.

فرهنگ زیارت: ضمن سپاس، اولین پرسشش را به خاندان جنابعالی شروع می‌کنیم؛ لطفاً در باره خود و خاندانتان توضیح دهید؟

آل طعمه: من سید سلمان، پسر سید هادی، پسر محمد مهدی، پسر سلیمان، پسر سید مصطفی، پسر سید احمد، پسر سید یحیی، پسر خلیفه، پسر علام جلیل «سید طعمه موسوی حائری حسینی» هستم. در سال ۱۳۵۴ هجری در کربلا متولد شدم و در خانواده‌ای مذهبی پرورش یافتیم که همگی خادم اهل بیت بودند. پدران و اجداد من خدمه امام حسین علیه السلام بودند و کلیدداری حرم از دوره عثمانی به دست ما بوده است، تا این که صدام این منصب را از ما گرفت و به دیگران سپرده شد. پدرم مرا تشویق به خواندن شعر می‌کرد؛ مانند قصیده دعبل خزاعی و قصیده «میمیه» فرزدق و قصیده «عینیه» سید اسماعیل حیدری و دیگران. پسر عمویم دکتر «سید صالح جواد طعمه» نیز که خود شاعر است و امروز در حدود هشتاد سالگی است و در آمریکا زندگی می‌کند، مرا به نوشتن قصائد و اشعار تشویق می‌کرد و من از اوایل دهه پنجاه میلادی استعداد نوشتن بعضی از قصاید دینی را در خود یافتیم و شروع به خواندن اشعار در مناسبت‌های دینی، مثل میلاد امام حسین علیه السلام و میلاد حضرت زهرا علیها السلام و میلاد امام علی علیه السلام در صحن شریف امام حسین علیه السلام نمودم. تعدادی از دوستان من، از جمله «سید مرتضی قزوینی»، «سید صدرالدین شهرستانی» و «سید مرتضی وهاب» نیز همراه ما بودند. ما در صحن مقدس به مناسبت میلاد امامان معصوم علیهم السلام و شهادتشان قصایدی می‌خواندیم.

فرهنگ زیارت: آیا این ماجرا پیش از روی کار آمدن بعثی‌ها بود؟

آل طعمه: بله، این جریان مربوط به پنجاه سال قبل است. من در مقابل ملک فیصل دوم، پادشاه عراق که به کربلا آمد و من عکس آن را دارم، شعر خواندم. فیصل جوانی بود با قد متوسط که همراه دایی خود امیر عبدالله خالد به زیارت می‌آمد و من در مقابل باشگاه کارمندان و در حضور عبدالله خالد، دایی ملک فیصل دوم قصایدی خواندم. در هر زیارتی که ملک فیصل جوان می‌آمد، دایی‌اش او را همراهی می‌کرد و تصاویرش موجود است. سپس در سال‌های ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳ دست به انتشار برخی اشعارم در روزنامه‌های عراقی زدم و اولین کتابم در سال ۱۹۵۴ که مجموعه اشعارم بود، چاپ شد.

فرهنگ زیارت: از تحصیلاتتان بگویید.

آل طعمه: بعد از آن که شش سال ابتدایی تمام شد و وارد دوره راهنمایی شدم، معلمین مرا تشویق

می‌کردند که شعر بخوانم؛ چون می‌دیدند شاعر هستم و شعر می‌گویم. همچنین در مراسم بزرگی که به مناسبت شهادت امام

حسین علیه السلام در مدرسه برگزار شده بود، من اشعاری را که سروده بودم، خواندم و این اشعار در سال ۱۹۵۳ در روزنامه‌ای به نام «القدوه» که در کربلا منتشر می‌شد به چاپ رسید. من به انتشار اشعارم در روزنامه‌ها و مجلات ادامه دادم و سپس در سال ۱۹۵۶ به بغداد رفتم و با شاعران بزرگی همچون «بدر شاکر السیاب» و «نازک الملائکه» که از شعرای بزرگ و معروف عراق بودند، ملاقات کردم و با اساتید دانشگاه بغداد نیز دیدارهایی داشتم و از تجربیاتشان استفاده کردم.

بعد از این که درس را در «دارالمعلمین» تمام کردم و به عنوان معلم فارغ‌التحصیل شدم، وارد دانشگاه شدم و شروع به نوشتن چند کتاب کردم؛ یکی درباره «ابوالمحاسن» پدر بزرگ «نوری المالکی» نخست وزیر عراق که شاعر و ادیبی بزرگ در کربلا و نماینده «آیت‌الله شیخ محمدتقی شیرازی» رهبر انقلاب مردم عراق در سال ۱۹۲۰ بود. ابوالمحاسن شاعر اول کربلا و وزیر معارف در دهه بیست میلادی بود. این کتاب پنجاه صفحه است و نام آن «ابوالمحاسن، الشاعر الوطني الخالد» است.

سپس کتابی نوشتم به نام «دیوان حسین کربلایی» که مجموعه اشعار این شاعر ملی معروف می‌باشد. پس به نوشتن کتاب‌هایی از جمله کتابی در معرفی زنان شاعر عراق پرداختم. فعالیت‌هایم را ادامه دادم.

فرهنگ زیارت: دوره دانشگاه را چگونه گذراندید؟

آل طعمه: تحصیلات من در دانشگاه بغداد در رشته تربیت و روان‌شناسی بود. سپس به بیروت رفتم و در دانشگاه اسلامی تحصیل کردم و دو سال درباره ازدواج و طلاق درس خواندم و لیسانس گرفتم. الآن بعد از ۹ سال، رساله‌ام به نام «التفسیر الصوفی للنص القرآنی ابن عربی نموذجا» تمام شده و دفاعیاتش باقی مانده است.

فرهنگ زیارت: معلم هم بوده اید؟

آل طعمه: بله! در مدارس کربلا، در سطح متوسطه (دیبرستان) معلم بوده‌ام و مربی تربیتی نیز بوده‌ام و درس‌هایی مثل عربی و دینی تدریس کرده‌ام. مدت تدریسم ۲۵ سال بوده است.

من پنجمین نفر از
آل طعمه هستم؛ چهار نفری
که قبل از من کتاب نوشته‌اند، فقط
درباره تاریخ امام حسین ۷ و ابالفضل
العباس نوشته‌اند؛ ولی من درباره مساجد
کربلا، مدارس کربلا و حتی مؤلفین
یا کتابخانه‌های کربلا کتاب
نوشته‌ام.

فرهنگ زیارت: مهمترین کتابی که در جوانی
نوشته‌اید؟

آل طعمه: کتاب «تراث کربلا» از مهم‌ترین
کتاب‌های چاپ شده از من است.

فرهنگ زیارت: این کتاب در چه سالی چاپ شد؟

آل طعمه: در سال ۱۹۶۴ میلادی توسط «مؤسسه
اعلمی» در کربلا چاپ شد. البته این چاپ اول بود و
چاپ دوم نزدیک به بیست سال بعد در سال ۱۹۸۳ همراه
با اضافات و تعدیلات بود.

فرهنگ زیارت: کتاب «تراث کربلا» در چه موضوعی است؟

آل طعمه: این کتاب مهم به تاریخ شهر کربلا و مدارس علمی آن و خانواده‌های مشهور آن
می‌پردازد.

فرهنگ زیارت: آیا قبلاً کتابی در این زمینه نوشته شده است؟

آل طعمه: خیر، چنین کتابی قبلاً نداشتیم. چهار پسر عموی من، پیش از من کتاب‌هایی درباره کربلا
نوشته‌اند. مرحوم «دکتر حسین علی محفوظ» که او را می‌شناسید، به من گفت: هیچ خانواده
عراقی نداریم که پنج نفرشان از یک خاندان درباره تاریخ شهرتان کتاب نوشته باشند؛ مثلاً درباره
گذشته شهر مقدس نجف و حال حاضر آن «شیخ جعفر محبوبه» کتاب نوشته و بعد از او از خاندان
محبوبه کسی درباره تاریخ نجف کتابی ننوشته است. «تاریخ دیوانیه» را «حاجی وداع العطیه»
نوشته و شخص دیگری از خاندان عطیه کتابی ننوشته است. «ابو الکوت» از خاندان بکری کتابی
نوشته، ولی از آل طعمه ۵ نفر مؤلف کتاب درباره تاریخ کربلا هستند: اول، «دکتر سید عبدالجواد
کلیددار» کتاب «تاریخ کربلاء و حائر الحسین» را نوشته است؛ دوم، برادر او «سید عبدالحسین
کلیددار» کتاب «بغیه النبلاء فی تاریخ کربلا» را نوشته است؛ سوم، «محمد حسن مصطفی کلیددار»
پسر برادرشان کتاب «مدینه العلم» را نوشت؛ چهارم، «عبدالرزاق وهاب آل طعمه» کتاب
«کربلا فی التاریخ» را نوشت و من پنجمین نفر از آل طعمه هستم و این
چهار نفری که قبل از من کتاب نوشته‌اند، فقط درباره تاریخ امام

حسین علیه السلام

و ابوالفضل العباس نوشته‌اند؛ ولی من درباره مساجد کربلا، مدارس کربلا و حتی مؤلفین یا کتابخانه‌های کربلا کتاب نوشته‌ام. «سید محمد حسن طالقانی» درباره من نوشته است: هیچ کوچک و بزرگی در کربلا نبوده، مگر این که سید سلمان همه را برشمرده است. زمانی که کربلا به یاد آورده می‌شود، سید سلمان به یاد می‌آید و زمانی که سید سلمان به یاد می‌آید، کربلا برای انسان تداعی می‌شود. خلاصه این که هیچ چیز از کربلا نبوده که من ننوشته باشم؛ حتی غذاهای کربلایی را نوشته‌ام که به هشتاد مورد می‌رسد؛ مثل فسنجان، قیمه بادنجان، کلم، که در کتابی به نام «معجم غذاهای کربلایی» آمده است.

فرهنگ زیارت: واکنش نسبت به کتاب «تراث کربلا» چه بود؟
آل طعمه: مدارس علمیه درباره این کتاب مطالب بسیاری نوشتند و مورد تقدیر قرار دادند و اساتید بسیاری نظرات مثبت خویش را بیان کردند.

فرهنگ زیارت: چه کسانی از کتاب شما استقبال کردند؟
آل طعمه: علمای درجه اول، مثل «آقا بزرگ تهرانی» که برای این کتاب مقدمه‌ای نوشت؛ هم در چاپ اول و هم در چاپ دوم و «شیخ محمدرضا اصفهانی» در چاپ اول مقدمه‌ای نوشت. او در باب صحن، نماز جمعه را اقامه می‌کرد. «سید محمد شیرازی» نیز بر چاپ اول مقدمه‌ای نوشتند.

من کتابی دارم به نام «علمای کربلا» در سه جلد که جلد اول آن را به «سید محمود مرعشی» در قم دادم تا چاپ شود. جلد دوم درباره اسامی تمامی کسانی است که درباره کربلا کتاب نوشته‌اند. کتابی است به نام «کربلا» درباره مراجع عراقی و غیرعراقی، مسیحی، اسلامی و ... است. جلد سوم که خود در سه بخش است، به نسخ خطی در کتابخانه‌های کربلا می‌پردازد. از همه کتابخانه‌ها، از جمله کتابخانه حرم امام حسین علیه السلام و حرم ابوالفضل العباس علیه السلام و کتابخانه همه علما.

فرهنگ زیارت: آیا فقط

به نسخ خطی موجود پرداخته‌اید؟

آل طعمه: خیر، بلکه به مخطوطاتی که از بین رفته‌اند یا سرقت شده‌اند یا در آتش سوخته‌اند، نیز پرداخته‌ام

فرهنگ زیارت: تعداد کتاب‌های منتشره شده شما؟

آل طعمه: تاکنون ۵۴ کتاب از من چاپ شده و در کل، من یکصد کتاب نوشته‌ام و ۴۷ کتاب هنوز چاپ نشده است. به همین سبب به من دکترای افتخاری از «دانشگاه حضاره الاسلامیه» لبنان داده شد.

فرهنگ زیارت: این دکترای چه زمانی به شما داده شد؟

آل طعمه: هفت ماه قبل در بیروت. به من گفتند ما در بیروت استادی نداریم که صد کتاب نوشته باشد؛ البته چند ماه دیگر من از کتاب خود در بیروت دفاع خواهم کرد.

فرهنگ زیارت: از میان کتاب‌های تان، کتابی درباره حرم امام حسین علیه السلام دارید؟

آل طعمه: بله، کتابی به نام «تاریخ مرقد الحسین و العباس» که به فارسی هم ترجمه شده است.

فرهنگ زیارت: از اساتید مهمتان غیر از مشایخ اجازه چه کسانی هستند؟

آل طعمه: «شیخ محمد حسین بیعانی» که متولی «مدرسه دینی مجاهد» در بین الحرمین بود. من درس نحو را نزد ایشان در صحن امام حسین علیه السلام خواندم و پسرعمویم سید عبدالحسین کلیددار که درس تاریخ اسلام را نزد ایشان خواندم و از اولین کسانی بود که درباره تاریخ کربلا کتاب نوشت.

فرهنگ زیارت: الآن به نگارش چه کتابی مشغول هستید؟

آل طعمه: کتابی است به نام «محاسن المجالس فی کربلا» که همراه با تصویر است.

فرهنگ زیارت: از دوره بعثی‌ها بگویید؟

آل طعمه: شیخ محمد مهاجر به من گفت: تعجب می‌کنم که شما زنده هستید.

آن قدر به من می‌گفتند که بعثی بشو، ولی من به خودم می‌گفتم

چه‌طور بعضی بشوم، درحالی که از خاندان ما بیست و شش نفر را به شهادت رسانده‌اند؟! پسرعمویم را در اسید انداختند؛ به‌طوری که فقط موهایش باقی ماند و ناخن‌هایش؛ به این جرم که به همراه گروهی از کربلایی‌ها به نجف رفته و در مقابل شهید «باقر صدر» صحبت کرده است.

فرهنگ زیارت: بعضی‌ها به شما چه می‌گفتند؟

آل طعمه: به من می‌گفتند اگر بعضی بشوی، اجازه می‌دهیم هر روز در تلویزیون و رادیو اشعارت را بخوانی؛ خانه و زندگی‌ات را تأمین می‌کنیم؛ ولی من قبول نکردم و می‌گفتم چه‌طور می‌توانم در خط امام حسین علیه السلام باشم و با شما همکاری کنم؟!

فرهنگ زیارت: درباره محو آثار امام حسین علیه السلام توسط صدام بگویید.

آل طعمه: کتابی دارم به نام «انقلاب شعبانیه» که به تمام این حوادث و وقایع می‌پردازد. در زمان صدام، عشایر کربلا و خانواده‌های معروف آن، شهدای بسیاری تقدیم کردند. در این کتاب که هنوز چاپ نشده و به وقایع شعبان سال ۱۴۱۱ هجری، معادل ۱۹۹۱ میلادی می‌پردازد، گفته‌ام که خانواده‌های کربلایی شهدای زیادی تقدیم کردند و بعضی‌ها مدرسه‌های دینی فراوانی را تخریب کردند که تعداد این مدارس به بیش از ۳۰ واحد می‌رسد. این مدارس کاملاً خراب شد و بسیاری از مساجد و مکان‌های تاریخی و باستانی نیز تخریب شد. آماری از تعداد مساجدی که تخریب شد و تعداد قربانی‌ها و حسینیه‌های تخریب شده نزد مدیر اوقاف هست.

فرهنگ زیارت: چند نفر در این قیام کشته شدند؟

آل طعمه: من آمار دقیق ندارم. در این کتاب از بعضی خانواده‌هایی که شهید داده‌اند، نام برده‌ام. از خانواده آل طعمه بیست و شش نفر هستند که بیشترشان جوان بودند و ما برای آنها مجالس ختم گرفتیم.

فرهنگ زیارت: هتک حرمت به حرم امام حسین علیه السلام چگونه بود؟

آل طعمه: در ابتدای تسلطشان بر شهر کربلا، «حسین کامل» اعلام کرد که لازم است اهالی شهر از کربلا خارج شوند؛ آن‌هم به

این دلیل که می‌خواهیم شهر را بزیم. حسین کامل، داماد کوچک صدام بود. بعثی‌ها وارد شهر شدند و شروع به تخریب کردند؛ مخصوصاً بعضی از قسمت‌های حرم امام حسین علیه السلام و ابوالفضل العباس علیه السلام؛ مثل رواق ابراهیم مجاب که آثار آن هم هست. آثار خون و تخریب دیوار؛ حتی گنبد را هم زدند که الحمدلله همگی تعمیر شده است.

فرهنگ زیارت: آیا سابقه داشته که حاکمان قبل از صدام چنین هتک حرمتی کنند؟

آل طعمه: قبل از صدام نبوده؛ مگر در زمان متوکل عباسی در قرن سوم هجری، در سال ۲۳۶. متوکل درخت سدر را قطع کرد تا زوار به حرم امام حسین علیه السلام راهنمایی نشوند. او قبر را به طور کامل خراب کرد و به آب بست. از آن زمان، این منطقه «حائر» نام گرفت و پیش از آن، نامش «عمورا» بود. کربلا نام‌های زیادی دارد: نوادیق، نواوپس، نینوا، طف، صفورا. نواوپس جمع «ناووس» است که از پیش از اسلام نام این منطقه بوده است.

فرهنگ زیارت: مساحتی که آب بالا آمد و جلو نرفت، چه قدر بود؟

آل طعمه: تا رواق مطهر که مساحتی در حدود ده متر در ده متر می‌شد و قبر حبیب بن مظاهر و قتلگاه هم جزو حائر است.

فرهنگ زیارت: «مدرسه حسن خان» چه وقت تخریب شد؟

آل طعمه: این مدرسه در دهه هفتاد خراب شد؛ چون من یادم هست که در دهه پنجاه این مدرسه را دیده بودم و یادم هست که «حاج آقا حسین قمی» که در صحن نماز می‌خواندند، «میرزا

به من می‌گفتند که
بعثی بشو، ولی من به خودم
می‌گفتم چه‌طور بعثی بشوم، درحالی
که از خاندان ما بیست و شش نفر را به
شهادت رسانده‌اند؟! پسرعمویم را در اسید
انداختند؛ به‌طوری که فقط موهایش باقی ماند و
ناخن‌هایش؛ به این جرم که به همراه گروهی
از کربلایی‌ها به نجف رفته و در مقابل
شهید «باقر صدر» صحبت کرده
است.

مهدی شیرازی» هم ایشان را همراهی می کرد و از طاق زعفرانیه به مدرسه حسن خان می آمدند و مدتی در مدرسه می نشستند.

فرهنگ زیارت: رسم زیارت خود کربلایی ها چه بود؟
آل طعمه: غالباً ابتدا به زیارت امام حسین علیه السلام می آمدند و سپس به زیارت ابوالفضل العباس می رفتند. البته برخی بودند که اول به زیارت ابوالفضل علیه السلام می رفتند و سپس به زیارت امام حسین علیه السلام می آمدند.

فرهنگ زیارت: تولیت قبلاً در دست سنی ها بوده است؟
آل طعمه: بله، «یاسین هاشمی» متولی حرم بود.

فرهنگ زیارت: آیا درباره اماکن کربلا کتابی دارید؟
آل طعمه: بله، کتابی نوشته ام که در آن نام حدود ۳۴ مرقد و مزار آمده است.

فرهنگ زیارت: آیا درباره نجف هم کتابی دارید؟
خیر، فقط درباره کربلا کتاب نوشته ام و درباره نجف کتاب ندارم.

فرهنگ زیارت: آیا درباره اماکنی مثل تلّ و خیمه گاه تحقیق کرده اید که محل فعلی، همان محل اصلی است؟
آل طعمه: بله، همه در محل اصلی شان هستند. از کنار درب قبله به سمت حرم ابوالفضل العباس، بین کتابخانه و مغازه های بیت النقیب است. «سید محمد مجاهد» پسر صاحب ریاض، مرقدی داشت که خراب شد. «مدرسه بادکوبه» هم تخریب شد. همه اینها در بین الحرمین بود.

فرهنگ زیارت: در رواق و صحن حسینی چه کسی نماز می خواند؟
آل طعمه: «سید محسن جلالی» در حرم، «شیخ یوسف خراسانی» در صحن، «شیخ محمد خطیب»، «سید محمد طاهر بحرانی»، «سید عباس کاشانی»، «سید محمد شیرازی» و «سید مرتضی طباطبایی». «شیخ محمد علی سیبویه» نیز در حرم ابوالفضل العباس (ع) نماز می خواند.

بعثی‌ها مدرسه‌های
دینی فراوانی را در کربلا
تخریب کردند که تعداد این مدارس
به بیش از ۳۰ واحد می‌رسد. این
مدارس کاملاً خراب شد و بسیاری
از مساجد و مکان‌های تاریخی و
باستانی نیز تخریب شد.

فرهنگ زیارت: نظر شما دربارهٔ مقام علی اکبر (ع) چیست؟
آل طعمه: سند ندارد.

فرهنگ زیارت: مقام امام صادق (ع) چه طور؟
آل طعمه: سند دارد.

فرهنگ زیارت: درباره کف العباس چه طور؟
آل طعمه: کفین مصدری ندارد. کسی در خواب دید که دست ابوالفضل (ع) نزدیک درب
خانه‌اش افتاده؛ صبح بیدار شد و تابلویی گذاشت و مردم پول و شمع می‌گذاشتند. این
شخص کسی نبود جز «محمد علی شنطوط». این مطلب را «شیخ مزج عمران قطیفی»
نوشته است.

فرهنگ زیارت: موقف امام حسین (علیه السلام) با عمر سعد چه طور؟
آل طعمه: مصدری ندارد.

فرهنگ زیارت: درباره مقامات کتابی نوشته‌اید؟
آل طعمه: در مجله «ینابیع» در هر شماره، درباره یک مرقد مطالبی نوشته‌ام؛ مثلاً درباره «نخل
مریم» که سند دارد و همه زوار می‌آمدند بالای سر حضرت و مقابل ضریح که محل خواندن دو
رکعت نماز است. در دیوار، سنگی مرمری بود که این آیه روی آن نوشته شده: «هُزِي إِلَيْكَ بِجِزَعِ
النَّخْلِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا» یعنی درخت خشکیده را تکان بده که از آن خرما می‌بارد بیافتد.
وقتی ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۴ قمری به زیارت آمد، سؤال می‌کند این از کجاست؟ گفتند: ۱۵
سال پیش خراسانی‌ها آوردند؛ یعنی سال ۱۲۷۲. من از پسرعمویم سید صالح پرسیدم چه کسی
این سنگ را برد؟ او گفت: «طاهر قیسی» سنی که معتقد بود مردم نباید به این سنگ
تبرک کنند؛ چون مردم به این سنگ تبرک می‌کردند و سپس به زیارت قبر
حبيب بن مظاهر می‌رفتند؛ چرا که عیسی (علیه السلام) این جامتولد

شده است. من در سال ۱۹۴۵ میلادی این سنگ را دیدم. برخی می‌نویسند «مقام جزع النخل»، ولی من تعبیر به «مقام نخل مریم» می‌کنم.

فرهنگ زیارت: درباره مقامات دیگر کتابی دارید؟
آل طعمه: بله، کتاب «مزارات و آثار کربلا» که هنوز چاپ نشده است.

فرهنگ زیارت: بیکر مطهر امام حسین علیه السلام و شهدا در کجای حرم است؟
آل طعمه: من از کلیددار پرسیدم؛ گفت در سرداب است که درب ندارد؛ ولی حرم ابوالفضل علیه السلام سردابش دارای درب است و می‌توانند پایین بروند.

فرهنگ زیارت: درباره «ابراهیم مجاب» چه می‌دانید؟
آل طعمه: او اولین کسی است که در حرم امام حسین علیه السلام دفن شد و جدّ اعلای ماست.

فرهنگ زیارت: از لطف شما متشکریم.